نگاهی به تلاش‌های بی‌نتیجه به‌منظور تعیین نقاطی برای اعتراض

نقاط مجاز اعتراض و زمان از دست رفته

نورا حسینی: «به‌زودی چند نقطه در تهران برای برگزاری تجمعات تعیین می‌شود»؛ این سخنان استاندار تهران است، موضوعی که سال‌ها پیش شورای شهر تهران آن را مصوب و فرمانداری وقت آن را رد کرد. مصوبه دولت وقت هم برای تعیین نقاط اعتراض از سوی دیوان عدالت اداری باطل شد. به‌تازگی محسن منصوری، استاندار تهران، با بیان اینکه موافق برگزاری تجمعات در چارچوب قانون هستیم، به سایت خانه ملت گفته است: دو یا سه نقطه را در تهران به‌زودی برای برگزاری تجمعات تعیین می‌کنیم و با برگزاری تجمعات در چارچوب قانون کاملا موافق هستیم. گاهی به نوعی تبلیغ شده که کشور یا دولت تحت هر شرایطی نمی‌خواهد به برگزاری تجمعات تن دهد که این روایت و تفسیر کاملا اشتباهی است. او ادامه داد: متقاضیان برگزاری تجمعات باید به صورت مکتوب درخواست خود را مطرح کنند، این درخواست به کمیسیون مربوطه در حوزه معاونت سیاسی ارجاع، بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. طرح درخواست به معنای اخذ مجوز نیست. درخواست تنها در چارچوب قانون بررسی می‌شود. ما مشتاقیم که تجمعات حتی‌الامکان اجازه برگزاری دریافت کند و این را برای خود و کشورمان یک فرصت می‌دانیم. نکته دوم اینکه پیرو دستور رئیس‌جمهور، در شورای تأمین استان تهران صحبت کردیم، محلاتی را که به لحاظ تأمینی مشکل خاصی نداشته باشند و به لحاظ ترافیکی امکان دسترسی مناسب داشته باشد و برای مردم چالش ایجاد نکند، در دو یا سه نقطه تهران به‌عنوان محلات برگزاری تجمع مشخص می‌کنیم. معاونت سیاسی وزارت کشور درحال تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ای اجرائی است، ما هم مکان‌هایی را مشخص و معرفی می‌کنیم که فرایند این کار و محل این تجمع سریعا مشخص شود؛ سپس به صورت رسمی اعلام و اطلاع‌رسانی می‌شود. این موضوع در فرایندی باید به تأیید شورای تأمین استان و شورای تأمین امنیت کشور برسد که امیدواریم ظرف دو، سه ماه آینده به نتیجه برسد و اصل تعیین محل تجمعات، زود تعیین تکلیف شود.

تلاش بی‌سرانجام شورای پنجم

نخستین بار نیست که برای ایجاد مکان‌هایی برای اعتراض در تهران تلاش می‌شود. بعد از اعتراضات سال ۹۶ شورای شهر تهران با دو فوریت شهرداری تهران را ملزم به تعیین مکان‌ها برای اعتراضات مردمی کرد. مصوبه‌ای که با ۱۷ رأی به تصویب رسید.

احمد مسجدجامعی پیشنهاددهنده این طرح در جلسه‌ای که این دوفوریتی بررسی می‌شد، گفت: مردم حق دارند انتقادات و اعتراضات خود را به شیوه درست و قانونی مطرح کنند. براساس‌این این طرح ارائه شده است تا مکان مناسبی برای بیان انتقادات و حتی اعتراضات به شیوه درست برای شهروندان تهرانی فراهم شود. در اکثر کشورها این مکان از سوی مسئولان در نظر گرفته شده است و به‌همین‌دلیل ما نیز پیشنهادی را براساس‌این ارائه داده‌ایم. باید به حقوق شهروندی احترام گذاشته شود؛ ضمن اینکه در بیان اعتراضات باید به شیوه درست عمل کرد.

نقاطی که او برای برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز پیشنهاد داده بود، بوستان گفت‌وگو و پارک لاله بود.

مخالفان طرح تأکید داشتند تصمیم‌گیری درباره چنین مکان‌هایی برعهده دستگاه‌های امنیتی است.

برخی از منتقدان هم تعیین نقاطی برای اعتراض را ایجاد محدودیت برای معترضان می‌دانستند. مسجدجامعی آن زمان در پاسخ به حواشی ایجادشده گفته بود: به نظرم انتقاد از این طرح بیش از آنکه به خود طرح مربوط باشد، ناشی از فضای بی‌اعتمادی و یأس ایجادشده در سال‌های اخیر باشد و اگر این بدبینی را کنار بزنیم، این طرح نه‌تنها محدودکننده نیست؛ بلکه ایجاد یک امکان جدید است. تجمع در محل‌های دیگر بلامانع است، در تبصره مصوبه هم ذکر شده که تجمعات در محل‌های دیگر آزاد است و درواقع نیت ما به‌رسمیت‌شناختن عملی حق اعتراض است و ما این طرح را در شرایط فعلی مطرح کردیم؛ چراکه معتقدیم در شرایط ایدئال اگر این طرح مطرح می‌شد، شاید صورت دیگری داشت اما به‌هرحال وضعیت فعلی را بهبود می‌بخشد. جالب است بدانید همین قانون شوراها که حالا اجرا می‌شود، با همین نگاه بود. اگر مسائل و فضای دشوار اجرائی آن سال‌ها را در نظر می‌گرفتیم، هنوز هم این شوراها را نداشتیم. درباره شوراها هم اگر می‌خواستیم صبر کنیم تا بهترین قانون تصویب و اجرا شود، هنوز شورای شهری در کار نبود. مسجدجامعی با بیان اینکه تجربه این سال‌ها نشان داده است که برخی اعتراضات با ورود عامدانه مخالفان تحت‌الشعاع موضوعات دیگری قرار می‌گیرند، گفت: مثلا مخالفان شیشه بانک را می‌شکنند. نتیجه چه می‌شود؟ شیشه‌شکستن یا آتش‌زدن بانک، ماشین و موتور به حساب معترضان نوشته شد و باعث شنیده‌نشدن درخواست معترضان شد و حتی بخشی از افکار عمومی علیه آنها برانگیخته شد، این طرح می‌خواهد که این اتفاق نیفتد. یکی از روش‌های رایج برای ساکت‌کردن معترضان انجام اموری است که از سوی مخالفان آنها انجام و به نام آنها گذاشته می‌شود و باعث موضع‌گیری افکار عمومی علیه معترضان می‌شود، پیام این مصوبه به رسمیت شناختن حق اعتراض در عمل است.

چرخش فرماندار

اما این مصوبه شورای شهر پنجم درنهایت رد شد و به شورا بازگشت. هیئت تطبیق که وظیفه بررسی مصوبات شورا با قوانین بالادستی و سیاست‌های دولت را برعهده دارد، این طرح را به علت مغایرت با قانون رد و تلویحا اعلام کرده بود که شورای شهر اصلا اجازه ندارد در مسائل این‌چنینی دخالت کند.

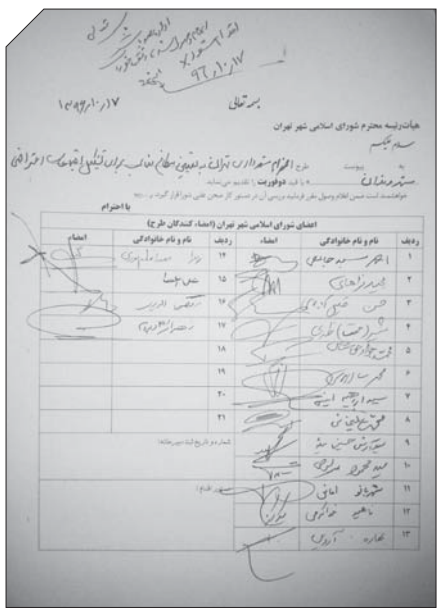

عیسی فرهادی، فرماندار وقت تهران که خودش در آستانه کار شورای پنجم پیشنهاد مکانی برای برگزاری تجمعات را داده و عضو هیئت تطبیق هم بود، درمورد نظر هیئت تطبیق درباره مصوبه شورای شهر گفت: شورای شهر نمی‌تواند در این زمینه تصمیم بگیرد و این جزء وظایف شورای تأمین است.

در نامه‌ای که هیئت تطبیق به شورای شهر ارسال کرده بود، با استناد به آیین‌نامه «چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی» که سال ۸۱ در هیئت وزیران مصوب شد، تعیین محل برگزاری تجمعات برعهده شورای تأمین استان تهران گذاشته شده است. شورای تأمین استان تهران درحقیقت نهاد پایین‌دستی شورای امنیت کشور در سطح استانی است که ریاست آن برعهده استاندار است.

یادآوری یک مصوبه با آغاز هر اعتراض

این پیشنهاد دوباره در جریان اعتراض‌های سال ۹۸ تکرار شد. آن زمان بازهم احمد مسجدجامعی مصوبه ردشده شورای شهر را یادآوری کرد و گفت: این روزها گزارش‌هایی از وضعیت جان‌باختگان و خانواده‌های آنها در هفته‌های اخیر داده می‌شود و ما هم معمولا دنبال نوش‌دارو پس از مرگ سهراب هستیم؛ چراکه چندی پیش اتفاقاتی در شهر افتاد و گروهی از هم‌وطنان جان خود را از دست دادند، به دنبال آن فضایی ایجاد شد و بسیاری از بزرگان قوا از حق اعتراض شهروندان دفاع کردند و ایجاد فضاهای شهری امن و رسمی برای اعتراضات دوباره مطرح شد. به‌هرحال شهر جای اعتراض است و اعتراض اگر دیده و شنیده شود، نمی‌توان اعتراض را به مخالفان نسبت داد. هرچند در هر اعتراضی امکان حضور غرض‌ورزان و آشوبگران نیز وجود دارد. اگر به اعتراضات رسمیت ببخشیم، از خشونت‌گراشدن کاسته می‌شود، به‌هرحال بر ایجاد فضاهای امن شهری و رسمی با همکاری شوراها و مدیریت شهری تأکید دارم و در طول عمر این شورا نیز سه بار شاهد چنین وضعی بوده‌ایم و هربار گفته‌ایم اعتراض حق شهروندان است و براساس‌آن قول اجرائی داده‌ایم؛ اما به مرور زمان فراموش کردیم.

اما این تلاش‌ها به سرانجامی نرسید. احمد مسجدجامعی پس از به بن‌بست‌خوردن این مصوبه به رسانه‌ها گفت: وقتی رئیس‌جمهور، شهردار، رئیس قوه قضائیه و همه می‌گویند باید فضایش را آماده کنیم، اگر این سلسله یک سیکل معیوب باشد، هیچ وقت پیش نمی‌رود. دو سال پیش طرح ایجاد فضایی برای اعتراض را دادم و تمام بحثم این بود که شهرداری تهران با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط جایی را تعیین کنند. از آنجا که همیشه نوش‌دارو را بعد از مرگ سهراب می‌آوریم، این‌بار هم این‌گونه شد. اگر چنین فضایی وجود داشت، احتمالش زیاد بود که اعتراض‌ها این‌طور به هم متراکم نشود. این اعتراض‌ها یک اعتراض نبود و تراکم اعتراضات به هیجانی تبدیل شد که تر و خشک را با هم سوزاند. شورا این طرح را داد؛ اما عملیاتی‌اش نکرد. کاری که ما باید بکنیم، این است که برای اعتراضات فضایی را آماده کنیم که اگر کسی اعتراض کرد، اعتراض معلوم باشد و به آشوب کشیده نشود؛ چون خود معترضان متضرر می‌شوند.

مسجدجامعی با انتقاد از روند معیوب ایجاد چنین فضایی گفت: اگر به همین شکل معیوب بماند، به جایی نمی‌رسد و حقی که قانون اساسی گفته، به همین شکل باقی می‌ماند. البته تشکیلات حوزه ریاست‌جمهوری به این موضوع رسیده‌اند و در حال پیگیری‌اند. بازهم می‌گویم اگر بدون همکاری مدیریت‌های محلی و شوراهای محلی باشد، بازهم ناقص است؛ یعنی جنس مقتضیات محلی باید در این مکان‌ها دیده شود.

دولت هم ناکام ماند

به‌جز شورای پنجم شهر تهران، دولت گذشته هم نتوانست تعیین مکان‌هایی برای اعتراض را به سرانجام برساند و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأیی مصوبه هیئت دولت را مخالف قانون اساسی دانسته و آن را ابطال کرده بود.

در این رأی گفته شده بود که مصوبه دولت درباره تعیین محل تجمع با اصل ۲۷ قانون اساسی که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را آزاد اعلام کرده، مغایرت دارد. در ماه خرداد سال ۹۷ مکان‌هایی به‌عنوان محل‌های مناسب برای تجمع‌های گروه‌های مختلف مردمی در تهران و شهرهای دیگر تعیین شده بود که تعدادی ورزشگاه و پارک، بوستان و همین‌طور «ضلع شمالی مجلس شورای اسلامی» ازجمله محل‌هایی بود که براساس تصویب هیئت دولت برای تجمع و اعتراض در نظر گرفته شده بود. هدف تعیین چنین مکان‌هایی به گفته مدیران وقت وزارت کشور این بود که هم این اعتراضات شنیده شود و هم امنیت آنها تأمین و هم مزاحم کسب‌وکار مردم نباشد.

علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران، می‌گوید داشتن مکانی برای اعتراض‌ها جنبه عقلی و منطقی دارد.

او با اشاره به اینکه مطالعه ویژه‌ای بر روی مصوبه شورای پنجم در این زمینه نداشته و در جریان جزئیات آن نیست؛ اما طبق قاعده و قانون باید چنین مکان‌هایی داشته باشیم، گفته است: در دنیا هم از چنین روش‌هایی استفاده می‌کنند و در صحبت‌هایی که با اهالی قانون و قانون‌گذاری پیش‌ازاین داشته‌ام، هم به خاطر دارم که بر روی این موضوع صحه گذاشته بودند.

چرا تعیین مکان‌هایی برای اعتراض به مسائلی که خشم و اعتراض عمومی را در پی دارد، به سرانجامی نمی‌رسد؟

نادعلی در پاسخ به این پرسش با تأکید بر اینکه اتفاقات اخیر را مصداق این خشم عمومی نمی‌داند؛ زیرا معتقد است که این اعتراض‌ها از بیرون راهبری می‌شود و آتشی است که از خارج از کشور روی آن بنزین ریخته می‌شود و برای مواردی که راهکار وجود دارد و قابل‌پیگیری از مجاری قانونی است، مصداق ندارد و از این نظر بر روی آن صحه نمی‌گذارد، گفت: اما داشتن مکان‌هایی برای اعتراض‌های عمومی عاقلانه و منطقی است: باید روی مصوبه گذشته شورا مطالعه و در فضایی آرام و کار کارشناسی دوباره روی آن کار کنیم تا در صورت امکان پیگیری دوباره شود.

برخی از جامعه‌شناسان هم نسبت به مؤثربودن چنین مکان‌هایی برای اعتراض تردید داشتند. آنها معتقد بودند به ظاهر این طرح شبیه هایدپارک لندن یا حتی میدان تقسیم ترکیه است؛ اما مسئله تنها اختصاص فضایی برای اعتراضات نیست. ده‌ها دستگاه دیگر هم در این حوزه دخیل‌اند، درواقع به صرف جانمایی یک مکان برای تجمعات، مشکل اعتراضات مردمی حل نمی‌شود. باید دولت، دستگاه‌های حاکمیتی و احزاب با هم هماهنگ باشند.

در برخی شهرهای دنیا مکان‌هایی برای گردهمایی‌های اعتراضی مردم در نظر گرفته شده؛ ازجمله در لندن منطقه هاید پارک جایی است که از دهه‌های گذشته شهروندان لندنی برای گردهمایی و بیان اعتراضات‌شان به دستگاه‌های مختلف حکومتی در آنجا گرد هم آمده و خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند یا در بسیاری از شهرهای دنیا عموما یک میدان اصلی شهر به‌عنوان مکان گردهمایی‌ها در نظر گرفته می‌شود.

به گفته استاندار تهران، به‌زودی در تهران هم چند نقطه برای برگزاری چنین اعتراض‌هایی تعیین می‌شود؛ اما باید دید مردم چقدر به این مکان‌ها اعتماد دارند یا به قول طراح اولیه آن دیگر نوش‌داروی بعد از مرگ سهراب است.

گفت‌وگو با مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه «شرق» درباره بازداشت نیلوفر حامدی:

هیچ اقدام خلاف قانونی صورت نگرفته است

سامان موحدی‌راد: پیش از ظهر روز پنجشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱ نیلوفر حامدی، خبرنگار روزنامه «شرق»، در منزلش بازداشت شد. تا لحظه تنظیم این گفت‌وگو چیزی نزدیک به یک ماه از بازداشت همکار ما در روزنامه می‌گذرد و هنوز خبری از وضعیت او در دسترس نیست. نیلوفر حامدی را بسیاری با گزارش‌هایش در حوزه زنان می‌شناسند. پیگیری یک خبر مهم شاید مهم‌ترین خبر سال ۱۴۰۱ در حوزه زنان ایران بود؛ اما به قیمت بازداشت او تمام شد. در گفت‌وگو با مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه «شرق»، تلاش کردیم تا روایتی از اقدامات نیلوفر حامدی درباره پوشش خبری مرگ مهسا امینی داشته باشیم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

•••

◆ آقای رحمانیان روایتی از آنچه در روز انتقال پیکر مهسا امینی به بیمارستان کسری رخ داد و اقدامات رسانه‌ای روزنامه «شرق» و مشخصا نیلوفر حامدی بیان می‌کنید؟

بگذارید من روایتی کامل از آن دو روز را بازگو کنم. سه‌شنبه «مهسا امینی» بازداشت و بعد به بیمارستان کسری منتقل شد. همان شب یک روزنامه‌نگار به اسم «حامد شفیعی» که اتفاقی در بیمارستان کسری حاضر بود، خبر انتقال مهسا امینی از ساختمان وزرا به بیمارستان کسری را در استوری اینستاگرامش منتشر کرد. صبح روز چهارشنبه و در پی انتشار این استوری «شهرزاد همتی»، دبیر گروه جامعه روزنامه، با من تماس گرفت و گفت که چنین اتفاقی رخ داده است و چه کار کنیم؟ من از او خواستم تا اول ماجرا را با پلیس چک کند و از صحت و سقمش باخبر شود. دقایقی بعد خانم همتی دوباره با من تماس گرفت و گفت که با پلیس تماس گرفته و آنها هم تکذیب کرده‌اند. من در پاسخ گفتم اگر پلیس تکذیب کرده که دیگر هیچ، لازم نیست به آن پرداخته شود. یک ساعت بعد «نیلوفر حامدی»، خبرنگار گروه جامعه، با من تماس گرفت و گفت که در بیمارستان کسری حضور دارد. او گفت مهسا امینی را که در کما بوده، از نزدیک دیده و با پدرش هم صحبت کرده. همچنین تأکید کرد که خانواده امینی بسیار ناراحت و البته نگران هستند که آیا باید چنین واقعه‌ای رسانه‌ای شود یا خیر؟ من دوباره به او گفتم که با پلیس تماس بگیرید و همین جزئیاتی را که برای من شرح دادید، برای آنها شرح دهید و نظر آنها را بخواهید. به پلیس بگویید که مهسا امینی را از نزدیک دیده‌اید و با خانواده‌اش حرف زده‌اید و چنین اتفاقی رخ داده است. خانم حامدی با پلیس تماس گرفت و پلیس در پاسخ گفته بود بی‌خیال این موضوع شوید و نه برای خودتان دردسر درست کنید و نه برای ما. وقتی پلیس برای دومین‌بار چنین پاسخی داد، من از بچه‌ها خواستم تا به سوژه نپردازند. بعدها رسانه‌های دیگر این خبر را که ابتدا با همان استوری اینستاگرامی رسانه‌ای شده بود، مفصل‌تر عنوان کردند و در رسانه‌های‌شان منتشر کردند. به‌این‌ترتیب ما شروع‌کننده نبودیم و می‌خواستیم خبر از سوی پلیس پیگیری شود که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. بعدها وقتی همه رسانه‌ها آن را منتشر کردند، ما هم گزارشی از آنچه را اتفاق افتاده بود، منتشر کردیم.

◆ پلیس با خود شما هم آن روز تماسی گرفت؟

خیر، پلیس با من تماس نگرفت؛ اما با یکی از همکاران ما در بخش اشتراک تماس گرفته بودند و به دنبال شماره نیلوفر حامدی بودند. ایشان هم گفتند که خانم حامدی را نمی‌شناسند و شماره‌اش را ندارند. بعدها که پیگیر شدیم، فهمیدیم که شماره خانم حامدی را پیدا کرده‌اند؛ ولی متوجه نشدیم که با او تماس گرفته شد یا خیر؟

◆ فکر می‌کنید علت بازداشت نیلوفر حامدی فقط صرفا حضور در محل بیمارستان بوده؟

واقعیت این است که بازداشت نیلوفر حامدی در ارتباط با این موضوع خیلی عجیب است؛ چون خانم حامدی کار خاصی نکرده و هر حرکتی هم که درباره مهسا امینی انجام داده، کاملا در چارچوب قانون و با اجازه مدیرمسئول بوده است؛ یعنی بازداشت خانم حامدی در رابطه با این موضوع البته حالا دیگر باید در دادگاه بررسی شود؛ ولی به نظر من وجاهتی ندارد.

◆ در ۳۰ روزی که از بازداشت نیلوفر حامدی می‌گذرد، شما وضعیتش را پیگیری هم کردید؟

من از دستگاه ضابط، وضعیت خانم حامدی را پیگیری کردم و می‌کنم. همچنین نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه نوشته‌ام که هنوز نه به آن پاسخی داده شده و نه می‌دانیم که نامه در چه مرحله‌ای قرار دارد. دستگاه ضابط هم مدام ابراز امیدواری می‌کند که بازداشتش زودتر تمام شود.

◆ کدام دستگاه ضابط، نیلوفر حامدی را بازداشت کرده است؟

وزارت اطلاعات.

◆ از وکیلش خبر دارید؟ آیا وکالت آقای کامفیروزی برای این پرونده پذیرفته شده؟

بعید می‌دانم اتفاقی افتاده باشد؛ چون اولا موکل باید امضا کند که چه کسی وکیل اوست که مطمئنم چنین اتفاقی نیفتاده است؛ چون خانم حامدی در این مدت به جز چند تماس تلفنی با مادر و همسرش، تماس دیگری با بیرون نداشته است. وکیل خانم حامدی البته پیگیر ماجراست؛ ولی اطلاعات بیشتری از آنچه اینجا گفته شده، ندارد.

◆ بازداشت نیلوفر حامدی چه تأثیری روی پوشش اتفاقات اخیر در روزنامه «شرق» داشته است؟

تأثیری نداشته؛ چون ما از ابتدا تلاش کردیم در چارچوب سیاست‌های رسانه‌ای ترسیم‌شده برای رسانه‌ها حرکت کنیم و اینکه قبل و بعد از دستگیری خانم حامدی ما از چارچوب حقوقی خارج نشده‌ایم.

◆ پس مرجعیت رسانه‌ای در این حوادث در اختیار رسانه‌های داخلی است؟

مرجعیت رسانه‌ای که سال‌هاست از رسانه‌های داخلی گرفته شده است. این مسئله به این داستان خاص و وقایع اخیر برنمی‌گردد. سال‌هاست که مرجعیت رسانه‌ای از رسانه‌های داخلی گرفته شده است. مثلا در آبان ۹۸ دیدم که رسانه‌های خارجی اعلام کردند هزارو ۵۰۰ نفر کشته شدند. در داخل اعلام نکردند تا سرانجام عددی را اعلام کردند که دیگر از نظر رسانه‌ای انتشارش معنی نداشت. این را مقایسه کنید با ماجرای دی ۱۳۹۶ که صداوسیما تعداد کشته‌ها را همان ابتدا اعلام کرد و به یک مرجع خبری تبدیل شد. هرجا که دست رسانه‌ها باز بوده و توانستند با فراغ بال اخبار را پوشش دهند، مرجعیت خبری را هم پیدا کرده‌اند؛ ولی در فضایی که الان تنفس می‌کنیم، دست رسانه‌ها باز نیست و به‌این‌ترتیب رسانه‌های خارجی که برای کشور دل نمی‌سوزانند، به مرجع خبر تبدیل می‌شوند؛ بنابراین ما خیلی مرجعیتی نداشتیم که از دست بدهیم.

◆ نکته پایانی؟

امیدوارم تا شنبه که روز تولد نیلوفر حامدی است، اسباب آزادی او هم فراهم شود. من پیشاپیش تولدش را به خودش و خانواده‌اش تبریک می‌گویم و امیدوارم برای جشن تولدش بیرون از اوین باشد.

برای جشن تولدی که صاحب تولدش غایب است

شهرزاد همتی: جلوی در زندان ایستاده‌ایم. امروز روز چندم بود؟ شاید بیستم، شاید بیست‌وپنجم، دیگر حسابش از دستمان دررفته. محمدحسین آن‌طرف‌تر ایستاده و با تلفنش حرف می‌زند. بعد جایش را عوض می‌کند و کنار ما می‌آید... می‌گویم: «برای تولدش میاد دیگه؟ یک کیک گنده بگیریم بیایم خونتون...». محمدحسین بدون اینکه نگاهم کند، می‌گوید: «باز خودت رو دعوت کردی؟ حالا کادو چی خریدی؟». امروز تولد نیلوفر حامدی است. سی‌امین روز بازداشتش با تولدش یکی شد. او در بند است و دوست نزدیکش، الهه محمدی هم در زندان. احتمالا اگر هیچ‌کدام از این اتفاق‌ها نمی‌افتاد، شاید آنها جشن تولد نیلوفر را به همراه دوستانشان در جایی از شهر جشن می‌گرفتند، اما حالا تحریریه ما ۳۰ روز است نیلوفر را ندارد و سه هفته است که الهه هم به روزنامه هم‌میهن سر نزده. ما این یک ماه ساعت‌های زیادی را پشت در زندان اوین گذرانده‌ایم، از آزادی‌های زیادی ذوق کرده‌ایم، با سربازها رفیق شده‌ایم، دوست‌های زیادی پیدا کرده‌ایم که مثل ما منتظر عزیزانشان بودند، با آنها کنار دیوار نشستیم، خندیدیم، گریه کردیم، غذا خوردیم، عکس یادگاری گرفتیم و وقتی که مأمور زندان اسم عزیزانمان را خوانده با هم جیغ کشیده‌ایم. این روزها هربار که پشت در زندان رفته‌ایم، یک داستان را برایتان کنار گذاشته‌ام. یک قصه تا برای هر دویتان تعریف کنم... اینجا آدم‌ها از شش‌ونیم صبح می‌آیند و اسم می‌نویسند. سعید، همسر الهه، دیرتر می‌رسد. بعد به یکی از نیوجرسی‌ها تکیه می‌دهیم و ساعت‌ها حرف می‌زنیم. یکی از میان جمع با فلاسکی بزرگ از راه می‌رسد و به جمعیت چای تعارف می‌کند. یکی دیگر میوه و آب می‌آورد. یکی دیگر زحمت ناهار را می‌کشد... فصل مشترک همه این آدم‌ها، عزیزی است که در زندان دارند. نیلوفر جانم، دختر قوی و پرتلاش، تولدت مبارک... من سوژه‌های زیادی برایت ردیف کرده‌ام... باید همه‌شان را بنویسی... مرخصی‌هایت تمام شده، زودتر برگرد... اینجا در تحریریه بچه‌ها برایت از بی‌بی کیک سفارش داده‌اند... صدف و آیسان هر روز با بغض و چشمانی پر از اشک برای آمدنت زمین و زمان را می‌بافند... مامان مهربانت دیگر خیلی بی‌تاب است... دیروز به او گفتم که مطمئنم به‌زودی نیلوفر برمی‌گردد.... نیلوفر مامانت باور کرد که آمدنت نزدیک است، من را شرمنده چشمان منتظرش نکن.

هرچند امروز تولد خبرنگار شریف ما نیلوفر حامدی است اما این صفحه با محوریت او و الهه محمدی نوشته شده است. با وکیلشان محمدعلی کامفیروزی گفت‌وگو کرده‌ایم و آرزو داریم همین فردا صبح، درست وقتی روزنامه به دست شما می‌رسد و ما و خانواده نیلوفر و الهه به زندان اوین سر می‌زنیم، اسمشان را در بین آزادی‌های شنبه پیدا کنیم. اما در این مسیر دوستان بازداشتی دیگرمان را هم فراموش نمی‌کنیم. به امید آزادی صبا شعردوست و میلاد فدایی، به امید آزادی ویدا ربانی، علیرضا خوشبخت، زهرا و هدی توحیدی، به امید آزادی یلدا معیری و روح‌الله نخعی و همه دوستانی که این روزها شب‌هایشان را در زندان روز می‌کنند. نیلوفر تولدت مبارک...